مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

چهارشنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۳ - ۲۷ ذی‌القعده ۱۴۴۵ - ۵ ژوئن ۲۰۲۴ - سال بیست و سوم - شماره ۶۲۷۷ - ۱۲ صفحه - ۱۰۰۰۰ تومان

رهبر انقلاب در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی:

در رقابت‌های انتخاباتی بین نامزدها اخلاق حاکم باشد

سیدحسن خمینی: همه باید نسبت به انتخابات پیش‌رو حساس باشیم

صفحه ۲

عکس: Leader.ir

«مردم سالاری» روند ثبت نام ۸۰ داوطلب ریاست جمهوری را بررسی می‌کند

همه‌نگاه‌ها به نقش شورای نگهبان در افزایش مشارکت

صفحه۳

برنامه کواکبیان بعد از تایید صلاحیت احتمالی

گروه سیاسی: دبیرکل حزب مردم سالاری گفت: اگر بخواهیم در همان اوضاع گذشته باقی بمانیم، می‌توانیم بگوییم هیچ تغییر رویه‌ای صورت نمی‌گیرد و همان برنامه‌های قبلی تکرار می‌شود ولی اگر احتمالا بخواهیم مشارکت را گسترش بدهیم حتما باید فکر کنیم که تغییر رویه صورت خواهد گرفت. مصطفی کواکبیان در گفت‌وگو با...

صفحه۳

دردسرهای دوچرخه سواری در رکاب شهر

گروه اجتماعی- زهرا کرد: دوچرخه، وسیله‌ای است که در خاطرات ما نقش پررنگی دارد. با نگاهی به دوچرخه در زندگی ایرانیان، به اهمیت و حضور همیشگی این وسیله در ادوار مختلف تاریخی پی‌می‌بریم. در بسیاری از آثار هنری اعم از نقاشی، فیلم، تئاتر و پوستر هرگاه غرض نشان دادن آسودگی و آرامش باشد، دوچرخه‌ای هم...

صفحه۴

بازی اروپا با پرونده ایران در شورای حکام

گروه دیپلماسی- سمیرا عبدالملکی: تروئیکای اروپایی در پرونده اتمی ایران کاسه داغ تر از آش شده است. اروپا دنبال تشدید فشار علیه تهران است اما فعلا آمریکا با این رویکرد مخالفت می‌کند. خبرنگار ارشد وال‌استریت ژورنال دوشنبه شب با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر سابق) خبر داد که پیش‌نویس قطعنامه درباره...

صفحه۱۰

یادداشت

آینده پژوهی انتخابات آتی

سجاد عابدی

پس از آنکه فعالیت‌های دیده‌بانی با موفقیت به پایان رسید، سازمان شما ممکن است بخواهد در نظر بگیرد که آیا قصد ادامه دادن به فعالیت‌های خود را شاید تحت عنوان ماموریتی دیگر داشته و یا حالا که مسئولیت‌های سازمانی که به جهت تکمیل آنها گروه دیده‌بانی تشکیل شده است و با موفقیت به پایان رسیده، خیال از هم پاشیدن ساختار سازمانی خود را دارد یا خیر؟

عوامل مطرح شده در زیر ممکن است به این تصمیم‌گیری شما مربوط باشند:

۱- یک انتخابات به خودی خود شرایط لازم برای امنیت یک سیستم سیاسی مردم‌سالارانه و یا بر پا سازی فرآیندهای یک جامعه آزاد تحت وجدان و رفتار شهروندی را تضمین ننموده و حتی پایان دوره گزار را نیز گواهی نمی‌دهد؛

۲- گروه‌های بی‌طرف برای شکل‌دهی جامعه مدنی، راه‌اندازی سازمان‌های میانی که نیازها و خواسته‌های مردم را برای توسعه یک دولت خوب و احترام برای حقوق بشر بسیج نموده و بیان می‌کنند، مورد نیاز هستند؛

۳- شبکه‌ای از مردم که برای دیده‌بانی انتخابات گرد هم آمده‌اند می‌توانند برای تکمیل اهداف اساسی دیگری برای تقویت سیستم مردم‌سالارانه انتقال یابند.

چالش‌های موجود در این راه نیز قابل ملاحظه هستند. بدون حضور انتخاباتی در افق زمانی مشخص، امکانات مالی کافی برای پرداخت دستمزدهای کارکنان و فضای اداری در اختیار سازمان دیده‌بانی شما نیز ناپدید می‌شوند. همچنین اشتیاق افراد برای انجام کارهای داوطلبانه و وقف زمان و انرژی خود برای سازمان نیز تحلیل خواهد یافت. به همین دلیل است که برای بقای یک سازمان باید دستور کاری مشخص برگزیده شود که به یک نیاز شناخته شده پاسخ گفته، از منابع موجود و در اختیار، استفاده لازم را به عمل آورده و انجمنی از داوطلبان را برای مشارکت در کار و ادامه تلاش‌های تعریف شده تشویق نماید.

برای به دست آوردن تمرکز لازم روی فعالیت‌ها پس از برگزاری انتخابات، سازمان دیده‌بانی شما ممکن است در پی یافتن فعالیت‌های دیگری باشد که برخی از آنها شامل موارد زیر می‌شوند:

۱- تجزیه، تحلیل و طرفداری از ایجاد اصلاحات در قوانین انتخاباتی یا سایر قوانین و سیاست‌های موجود، از جمله آنهایی که به مشارکت شهروندان در فرآیندهای انتخاباتی و شفافیت موجود در فعالیت‌های دولتی مربوط می‌شود؛

۲- به انجام رساندن برنامه‌های آموزشی روی مسئولیت‌های مدنی و فرآیندهای مردم‌سالارانه؛

۳- ارائه کمک‌های فنی به مسئولان قضائی«و یا کارکنان آنها» و مسئولان دولتی؛

۴- ارزیابی عملکرد مسئولان قضائی؛

۵- دیده‌بانی مسائل مربوط به حقوق بشر و موارد وابسته به حقوق مدنی؛

۶- تلاش برای افزایش مشارکت سیاسی بخش‌هایی از جامعه که به هر نحوی در اقلیت هستند که شامل گروه‌های اجتماعی مانند زنان، یا اقلیت‌های قومی می‌باشند؛

۷- دیده‌بانی منصفانه عملکرد رسانه‌های گروهی در رفتارشان با احزاب سیاسی و سیاست‌های تعیین شده جدید؛

۸- تشویق دولت به مسئولیت پذیری و صداقت؛

۹- تقویت امکان گفتگو میان شهروندان در سطوح محلی و ملی؛

موارد فراوان دیگری نیز در مورد این که پس از به اتمام رساندن فرآیند دیده‌بانی انتخابات، (نیروی کاری در اختیار سازمان چه کارهایی ممکن است انجام دهند)، وجود دارد. برخی از این کارکنان ممکن است برای مشارکت در کارهای دولتی به نهادهای وابسته به آن بپیوندند. تمامی کشورها به نوعی به خدمتگذاران عمومی صادق و با استعداد نیاز دارند، به ویژه وقتی که کشور مورد نظر در میانه یک فرآیند گذار نیز باشد. آن دسته از اعضای مشغول به کار در سازمان دیده بانی شما که نیت خوب خود را در خلال به انجام رساندن تلاش‌های نظارتی خود به اثبات رسانده‌اند ممکن است برای احراز مقام‌های رسمی در دولت و زندگی مدنی مناسب بوده و با آغوشی باز پذیرفته شوند. به منظور محافظت از شهرت سازمان دیده‌بانی شما، بی‌طرفی درست خواهد بود که سازمان شما به طراحی و توسعه سیاست‌هائی بپردازد که تعیین می‌کنند آیا نیروی انسانی در اختیارتان لازم است ارتباطات رسمی شان را با گروه دیده بانی قطع نمایند یا نه؟

از طرف دیگر، آنچان‌که در بالا گفته شد، نباید از نظر دور نمائید که سازمان‌های مستقل و بی‌طرف مدنی می‌توانند نقش بسیار مهمی در چرخه حیات یک سیستم سیاسی مردم‌سالارانه بازی نمایند. بنابراین، در حالیکه برخی از رهبران و اعضای سازمان شما ممکن است کار مستقیم برای دولت و یا احزاب و گروه‌های سیاسی داشته باشند، نباید فراموش کنند که یاری و کمک‌های فراوانی نیز برای حمایت از موسسات مردم سالارانه‌ای که به تازگی انتخاب شده‌اند برای تدارک انتخابات آینده وجود خواهد داشت.

یادداشت

دلار و نظریه‌های منسوخ اقتصادی

منصور انصاری

با درج یادداشتی مختصر تحت عنوان «باتلاق عمیق و بی‌انتهای ارز ارزان قیمت»، دوستانی مطلع از اقتصاد سیاسی و صاحب نظر با تائید کلیات مطلب نوشته شده، نویسنده این یادداشت را به خاطر طرح آنچه به گمان آنان، شجاعانه بود، تشویق و دلگرم کردند، اما در این میان عزیزانی هم اعم از دوستان نزدیک و یا بعضی صاحب نظران با دلخوری گفتند؛ شما با طرح بحث حذف ارز ارزان قیمت دولتی برآن هستی این یک لقمه نانی را هم که حاصل واردات یا بعضا تولید داخل با ارز ارزان قیمت است از سفره مردم حذف کنید و مردم به ویژه دهک‌های پایین را در تنگناهای شدید تامین معاش قرار دهید.

آنان با مقایسه نرخ ارز ۲۸هزار و ۵۰۰تومانی یا مبادله‌ای میان ۳۹ تا ۴۰هزار تومانی و بعضا بیشتر یا کمتر، چنین نتیجه می‌گرفتند که با حذف این نرخ‌ها در ساختار اقتصاد کلان حداقل قیمت کالاهای اساسی مانند مواد پروتئینی دو برابر می‌شود و قدرت خرید مردم هم تقریبا دو برابر و شاید هم بیشتر کاهش خواهد یافت و به صراحت می‌گفتند اگر دهک‌های پایین در حال حاضر می‌توانند ماهی مثلا نیم کیلو گوشت قرمز بخرند، با تغییر نرخ ارز ارزان به آزاد، توان خرید ماهیانه فقط ۲۵۰ گرم گوشت قرمز را خواهند داشت و شاید این اندک هم برایشان مهیا نشود، لذا فعلا و در این شرایط صلاح نیست چنین تغییری حاصل شود چون دهک‌های پایین جامعه به شدت با مضیقه و دشواری روبرو خواهند شد.

این دوستان اقتصاد را امری خطی، مستقیم، بلاواسطه و ساده می‌دانند و رویکردی یک وجهی به آن دارند، لذا برهمین اساس در مورد تصمیمات اقتصادی قضاوت می‌کنند، حال آنکه معادلات اقتصادی اینگونه نیستند، بلکه بسیار پیچیده‌تر از این نوع قضاوت‌ها و در ساختاری دیالکتیکی و در هم تنیده عمل می‌کنند. این دوستان کهن نگر، نه در تاریخ ایستای اقتصاد درون گرای بسته کشور با نرخ دلار ۷تومانی سال‌های اول انقلاب مداقه می‌کنند و نه تغییرات مداوم و پی در پی این نرخ ارز دولتی تا رسیدن به نرخ مبادله‌ای ۴۲ هزار تومانی «فرزینی» کنونی را می‌بینند که نه تنها هیچکدام موجب بهبود وضع زندگی مردم به ویژه دهک‌های پایین جامعه نشده، بلکه روز به روز هم بدتر شده است. از این گذشته، رئیس کل بانک مرکزی اخیرا و با افتخار گفت؛ دلار آزاد ۶۵ هزار تومانی ربطی به ما یعنی بانک مرکزی ندارد که احتمالا نظرشان اداره امور اقتصادی و بازرگانی در دو کشور مجزا است، یکی کشور دلخواه ایشان با ارز دولتی و دیگری کشوری که نرخ ارز آن پر نوسان و پر تحرک و البته رو به بالا در حال افزایش است و رئیس کل بانک مرکزی آن مسئولیتی در قبال قیمت ارز ندارد و پاسخگو نمی‌باشد زیرا مسئولیت آن بر عهده کسانی چون جمشید بسم‌الله و یا امثال وی است که هر طور بخواهند نرخ ارز را بالا و پایین می‌کنند!

به این دوستان که حق مردم ایران را لقمه نانی اندک می‌دانند و شعارشان سال‌های سال این بوده و هست که باید فقر را تقسیم کنیم نه ثروت را، باید گفت؛ فقرآفرینی کنونی را نمی‌توان اقتصاد دانست، آن را باید سیطره بی‌انتهای دولت‌ها دانست که به جای دولت مداری به ارز مداری مشغولند و امورات خود را از این طریق اداره می‌کنند. حاصل این نوع مدیریت و اداره کشور، سلطه هرچه بیشتر دولت‌ها و ثروتمند شدن کسانی است که نه در تولید کشور نقشی تعیین کننده دارند و نه از یک خلاقیت ذهنی، فکری و ابتکار عملی برخوردار بوده‌اند، بلکه شیوه و هنر آنان فقط دسترسی به نهادهای سیاسی و جناحی و جلب رضایت آنهاست تا از این طریق بتوانند به ارز ارزان قیمت در ارقام هنگفت دست یابند. لذا اگر اقتصاد کشور از قید و بند و سیطره سیاست‌های نابخردانه تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان رهایی یابد و رقابت واقعی بدون رانت در اقتصاد تعیین کننده باشد؛ هیچ ثروت افسانه‌ای یک باره بدون تولید و اشتغال و بازرگانی حاصل نمی‌شود، بیکاری در سایه گسترش تولید کاهش می‌یابد، رقابت میان فعالان صنعت، ارائه دهندگان خدمت و تولیدکنندگان کالاهای کشاورزی و غیر آن و به ناگریز دستمزدها برای بهینه سازی فرایند و فراوری افزایش خواهد یافت، نیروی کار به ویژه نوع ماهر و درستکار و مسئول آن، اجر و قرب می‌یابد و در نتیجه مهارت، تبحر و تخصص در عرصه تمامی کارهای کشاورزی، صنعتی، تولیدی، خدماتی و بازرگانی داخلی و خارجی برای جامعه ملاک می‌شود. یک اقتصاد و بازرگانی بدون رانت، موجب رشد متوازن و ارتقای کیفیت کالاها چه برای مصرف داخل و چه برای صادرات در پهنه گیتی می‌شود، کالاها در اقتصادی که جهانی شده است قیمت واقعی خود را پیدا می‌کنند و رونق بازرگانی باعث شکوفایی اقتصاد می‌شود.

در عین حال، کیفیت در کالا و رقابت در قیمت موجب می‌گردد که مردم دسترسی بیشتری به کالاهای اساسی و مورد نیاز خود به نسبت داشته باشند، دست «دولت‌های ارز خوار» با شرکای میداندار کنونی‌شان از ارز ارزان قیمت کوتاه شود، دولت سرجای واقعی و بایسته خود بنشیند و دولت داری کند که در این صورت امتیاز امضاهای طلایی را از دست می‌دهد و بخش عمده ای از کارخانه‌داران و فعالان بازرگانی واردکننده در زمینه‌های مختلف، کفش‌های آهنین برای گرفتن ارزهای ارزان قیمت را از پا در می‌آورند و بر صندلی‌های راحت پشت سیستم‌های کامپیوتری خود برای بازاریابی و بازارسازی می‌نشینند و دنبال بازارهای قابل دسترس و مساعد عرضه و فروش کالاهای خود با قیمت مناسب می‌گردند و رانت‌ها نصیب ابتکار عمل، خلاقیت و تولید مستقلانه غیررانتی می‌شود.

چنین اقتصادی ناگزیر است به افکار عمومی و رضایت مردم و در نتیجه رسانه‌ها توجه بیشتری چه برای ایجاد برند و چه برای فرهنگ سازی مصرف عمومی صحیح داشته باشد.

آن گاه جامعه مصرف با آگاهی و اختیار بیشتری به انتخاب در میان انواع کالا دست می‌یابد، مطبوعات و رسانه‌های برخط هم بعضا به جای تعریف و تمجید و مجیز گویی دولتی‌ها و تایید اقدامات ولو نادرست آنان در رده‌های مختلف؛ به طور مستقل و بدون نگرانی از تامین منابع مالی خود از سوی دولت‌ها، انحرافات آنان در عمل و اجرا و سوءاستفاده‌های کوچکی که ممکن است به تدریج بزرگ شوند را مورد نقد و بررسی و پژوهش قرار می‌دهند.

کوتاه شدن دست دولت‌ها از امتیازات طلایی ارز، موجب آزادی‌های اجتماعی می‌شود و مملکت، اقتدار، استقلال و قدرت خود را نه الزاما از توانایی‌های نظامی و سرکوب مردم معترض و ناراضی، بلکه از یک اقتصاد برتر منطقه ای و حتی در بعضی کالاها که مزیت نسبی در عرصه جهانی دارند به دست می‌آورد.

نگرانی این دوستان از حذف ارز ارزان، ناشی از نوعی عادت و تفکری شکست خورده، علیل و اعانه ای است که تجربه به وجود آمدن اختلاف فاحش طبقاتی خطرناک کنونی و وضعیت خراب معیشت مردم می‌تواند پاسخی به آن باشد. این شبه اندیشه‌ها یعنی «اقتصاد دوگانه دولتی درون گرای بسته منزوی از جهان»، تجربه ای ناموفق برای بسیاری از کشورهای دنیا رقم زده، فرتوت و منسوخ شده و جایی برای طرح مجدد ندارد.

در کنار آن، اقتصاد آزاد عاری از رانت، نه تا آن اندازه آزاد و لیبرال که در قرون ۱۷ و ۱۸ «لسه فر» نامیده می‌شد و نه آن گونه که پایبند به نظرات «مینارد کینز» در دولت رفاهی (Welfare State) باشد بلکه با تجربه‌های به دست آمده از دولتی که بتواند در کنار حمایت از فعالیت‌های آزاد رقابتی تولیدی، خدماتی و صنعتی با استفاده از مالیات و درآمدهایی که بیشتر برایش فراهم خواهد شد؛ اقشار ناتوان و دهک‌های پایین جامعه را تحت پوشش قرار دهد و با جذب سرمایه گذاری خارجی، علاوه بر پرداختن به عمران و آبادانی کشوری چون ایران که بودجه‌های عمرانی‌اش سال‌هاست صرف مسائل دیگری می‌شود، دامنه اشتغال واقعی و نه کاذب و یارانه‌ای اعانه‌ای را گسترش دهد.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت

بازی پیچیده عربستان به موازات معادلات مقاومت

محمدعلی مهتدی

با توجه به بن بستی که در بحران غزه پدید آمده، آمریکا و متحدانش در منطقه با عنوان کردن طرح دو دولت که رژیم صهیونیستی پیوسته آن را رد کرده؛ این بار این طرح را نه در چارچوب دوجانبه بین اسرائیل و فلسطینی‌ها بلکه در چارچوب یک استراتژی بزرگ منطقه‌ای به گونه‌ای مطرح می‌کنند که هیچ طرفی نتواند با آن مخالفت کند. نشانه‌های چندی در تأیید این نظر وجود دارد.

اولا: آنها مساله دو دولت را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد بردند و با آراء مثبت زیادی آن را تصویب کردند. هرچند مصوبات مجمع عمومی الزامی برای اجرا ندارد، اما با توجه به تاثیر کشتار بیرحمانه ارتش صهیونیستی در نوار غزه بر افکار عمومی جهانیان، طرح ایجاد یک دولت فلسطینی در کنار اسرائیل می‌تواند به عنوان یک راه حل سیاسی برای پایان دادن به نسل کشی در غزه مورد موافقت افکار عمومی قرار گیرد و دولت جو بایدن در شرایط کارزار انتخاباتی می‌تواند ادعا کند که پایان دادن به کشتار در غزه از طریق ایجاد یک چهارچوب سیاسی بین‌المللی امکانپذیر است و آمریکا در این مورد تلاش لازم را به عمل می‌آورد.

ثانیا: بلافاصله چند کشور اروپائی و بطور مشخص اسپانیا، ایرلند و نروژ دولت فلسطین را به رسمیت شناختند. این اقدام که ممکن است کشورهای دیگری نیز بدان ملحق شوند به ابعاد بین‌المللی طرح کمک می‌کند.

آنها کشوری را به رسمیت می‌شناسند که هنوز وجود خارجی ندارد. نه سرزمین مشخصی دارد و نه شکل و خصوصیات آن روشن است. لذا مفهوم این به رسمیت شناختن‌ها این است که چنین کشوری حتما باید ایجاد شود.

ثالثا: موافقت عربستان سعودی با عادی سازی روابط با اسرائیل منوط به موافقت اسرائیل با تشکیل دو دولت شده است و این مهمترین بخش این طرح است زیرا مدت‌ها بود که هم آمریکا و هم رژیم صهیونیستی تلاش می‌کردند سعودی را قانع کنند تا به جرگه رژیم‌هایی که با اسرائیل روابط عادی برقرار کرده‌اند بپیوندد.

با توجه به موقعیت پادشاه عربستان سعودی به عنوان خادم الحرمین، مکه و مدینه، موافقت سعودی با به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و ضربه ای به محور مقاومت نیز محسوب می‌شود.

اما سعودی‌ها هرچند تا کنون امتیازاتی به اسرائیل داده‌اند اما حاضر به ایجاد روابط رسمی دیپلما تیک با رژیم نشده‌اند و حاضر نیستند چنین کارتی را رایگان در اختیار رژیم صهیونیستی قرار دهند. از نظر آنها بهای این کارت پذیرش تشکیل دولت مستقل فلسطینی در اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷ است یعنی همان طرحی که در سال ۲۰۰۲ توسط شاهزاده عبدالله در کنفرانس سران عرب در بیروت مطرح شد و اسرائیل به شکل اهانت آمیزی آن را رد کرد.

ادامه در صفحه ۱۰

پایگاه خبری مردم‌سالاری آنلاین

www.mardomsalari.ir

روزنامه مردم‌سالاری

www.mardomsalari.ir/newspaper

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

۱۴۰۳/م/۰۵

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران

رجوع به صفحه ۸